

مقایسه ساختار خسرو و شیرین نظامی و گل و نوروز خواجهی کرمانی

راضیه آقازاده^۱

محبوبه خراسانی^۲

مرتضی رشیدی آشجردی^۳

چکیده

ساختارگرایی به عنوان مهم‌ترین مکتب نقد ادبی در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۵۰ م شکوفا شد و حوزه فولکلورشناسی را به شدت تحت تأثیر قرار داد. ساختارگرایان برخلاف پژوهشگران پیشین، قصه‌ها را براساس عناصر و واحدهای سازنده آنها دسته‌بندی می‌کردند و نسبت به موضوع بی‌توجه بودند. هدف از این تحقیق این است که خسرو و شیرین نظامی و گل و نوروز خواجهی کرمانی که تقلیدی از این شاهکار نظامی است، طبق شیوه ساختارگرایان مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند. برای این منظور ابتدا مقدمه‌ای درباره ساختارگرایی، روش تحلیل ساختاری در داستان‌های عامیانه و معرفی منظومه‌های مورد نظر مطرح می‌شود، سپس کارکردها، صحنه آغازین، چگونگی بسط داستان، شخصیت‌ها و صفات اشخاص قصه مورد بررسی قرار می‌گیرند و تفاوت‌ها و شباهت‌های ساختاری این دو اثر براساس جداول، تحلیل و بررسی می‌شوند. یافته‌های پژوهش حاضر بیانگر میزان تطابق خسرو و شیرین و گل و نوروز با الگوی تحلیل ساختاری در داستان‌های عامیانه است و گل و نوروز خواجهی کرمانی با اینکه یک داستان هندی است، از نظر خویشکاری، شخصیت‌ها، صفات اشخاص قصه، نوع بسط و صحنه آغازین با داستان نظامی ساختار مشابهی دارد.

کلید واژه‌ها:

حرکت، خویشکاری، ساختار، شخصیت، خسرو و شیرین، گل و نوروز

^۱ - دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

^۲ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. (نویسنده مسئول)

^۳ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۱۷

تاریخ وصول: ۹۴/۱۰/۰۵

۱- مقدمه

فرمالیسم و ساختارگرایی مهم‌ترین رویکردهای نقد ادبی در سده بیستم بوده‌اند. فرمالیست‌ها توجه خود را در تحلیل و بررسی متون ادبی به فرم و صورت اثر معطوف کردند، (۱۹۱۴م) طولی نکشید که این مکتب در (۱۹۲۷م) توسط استالینیسم روسیه سرکوب شد و متفکران فرمالیست با مهاجرت از روسیه به کشورهای دیگر به بسط و تکمیل نظریات خود پرداختند و ساختارگرایی ادبی محصول همین کوشش‌هاست، اما مفهوم ساختار علاوه بر فرم، به محتوا نیز توجه دارد و در بررسی ساختاری، فرم و محتوا با هم یک نظام منسجم را پدید می‌آورند. ساختارگرایی ادبی اساساً مولود نگره‌های زبان‌شناختی زبان‌شناس سوئدی، فردینان دو سوسور است و ساختارگرایی ادبی (م ۱۹۶۰) کوشش می‌کند تا اندیشه‌ها و مبانی نظری مطرح شده از وی را به کارگیرد. سوسور با طرح مسأله تمایزها در بررسی و مطالعه زبان، الگوی مناسبی را برای ساختارگرایی پدید آورد؛ تمایز میان گفتار و نوشتار، دال و مدلول، بررسی هم-زمانی و درزمانی و محور هم‌نشینی و جانشینی، نخستین بار از طرف وی مطرح و به اصطلاحات رایج نقد بدل شد. (امامی، ۱۳۸۵: ۲۳۱) وی زبان را مرکب از دو بخش لانگ (نظام زبانی) و پارول (گفتار) می‌داند. از نظر وی، هر واژه نشانه‌ای است که از دو جزو دال و مدلول، ساخته شده است. سوسور رابطه میان دال و مدلول را دل‌بخواهی می‌داند و اعلام کرد دال و مدلول در حقیقت دو روی یک سکه‌اند: نشانه (sign) = دال (signifier) / مدلول (signified). (سلدون، ۱۳۷۷: ۱۳۶) بحث او درباره محور هم‌نشینی و جانشینی نیز مورد توجه منتقدان بسیاری قرار گرفت. محور هم‌نشینی بر چینش و ترکیب افقی و محور جانشینی بر ساختار عمودی جمله و در نتیجه، گزینش واژه‌ها تمرکز دارد.

۱-۱- تأثیر ساختارگرایی بر ادبیات عامیانه

قصه‌های عامیانه برای نخستین بار در آلمان توسط براداران گریم گردآوری و منتشر شد. پس از انتشار این اثر (بین سال‌های ۱۸۱۴-۱۸۱۲) دانشمندان کشورهای مختلف گردآوری قصه‌های عامیانه سرزمین خویش را وجهه همت قرار دادند. (پراپ، ۱۳۸۶، دو) اما نظریه مکتب

ساختارگرایی در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۵۰م شکوفا شد و حوزه فولکلورشناسی را به شدت تحت تأثیر قرار داد.

پیش از آن «آندره یولس آلمانی» (۱۹۳۰) صور اصلی ادبیات عامیانه و «دلردرا گلان» (۱۹۳۶) طرح کلی قصه‌ها و اساطیر را ارائه کرده بودند. اما ترجمه کتاب ریخت‌شناسی قصه‌های پریان «ولادیمیر پراپ» روسی همه آثار را تحت الشعاع قرار داد. تجزیه و تحلیل ساختارگرایانه او از قصه‌های پریان روسی، دوره جدیدی در بررسی قصه‌های عامیانه در جهان پایه‌ریزی کرد. پراپ، فولکلورشناس روس، «قصه‌ها را براساس کار ساختارگرایان به عناصر و واحدهای آنها دسته‌بندی کرد و نه براساس موضوع. روش وی امروزه در بررسی و تحلیل‌های حوزه‌های متفاوتی از داستان‌ها گرفته تا فیلم و رمان و سینما و تئاتر به کار می‌آید. اگرچه حدود ۸۰ سال از تاریخ نگارش این اثر (۱۹۲۷) می‌گذرد، هنوز روش وی معتبر و کارآمد است». (ذوالفقاری، ۱۳۹۳: ۸۰)

۱-۲- روش پراپ:

پژوهشگران پیش از پراپ قصه‌ها را براساس موضوع یا درون‌مایه طبقه‌بندی می‌کردند اما وی به دنبال تجزیه ساختارگرایانه قصه‌ها بود. وی دریافته بود که اگر بسیاری از قصه‌های عامیانه و پریان روسی به دقت بررسی شود عملاً یک داستان بنیادین و مشابه در تمامی آنها یافته خواهد شد. (اسکولز، ۱۳۷۹: ۱۰۲)

پراپ با بررسی صد قصه از مجموعه داستان‌های آفاناسیف به این نتیجه رسید که افراد و شخصیت‌های قصه‌ها متنوع و گوناگونند ولی کارهای مشابهی که انجام می‌دهند، ثابت و از شمار معینی تجاوز نمی‌کند. پراپ واحد سازنده روایت را «کارکرد» نامید. و به سی و یک کارکرد دست یافت و برای هر کارکرد نمادی خاص در نظر گرفت.

جدول شماره ۱- خویشکاری‌ها

۱	غیبت β	۱۲	اولین بخشنده D	۲۳	رسیدن ناشناس O
۲	دستور، نهی γ	۱۳	واکنش قهرمان E	۲۴	ادعای دروغین L
۳	اطاعت، نقض نهی δ	۱۴	یاربگر جادویی F	۲۵	کار سخت M
۴	خبرگیری ϵ	۱۵	انتقال به مکان دیگر G	۲۶	انجام کار سخت N
۵	دریافت خبری	۱۶	مبارزه H	۲۷	شناسایی Q
۶	نیرنگ η	۱۷	پیروزی I	۲۸	افشاگری EX
۷	همکاری ناخواسته θ	۱۸	علامت گذاشتن J	۲۹	تغییر شکل T
۸	کمبود/شر A/a	۱۹	رفع شر یا کمبود K	۳۰	مجازات شریب U
۹	یاری خواستن B	۲۰	بازگشت ↓	۳۱	ازدواج/ سلطنت W
۱۰	مقابله آغازین C	۲۱	تعقیب P r	۳۲	
۱۱	عزیمت ↑	۲۲	نجات R s	۳۳	

پراپ معتقد بود که این روش در تمام قصه‌های عامیانه هند و اروپایی کاربرد دارد. به همین جهت این روش در خسرو و شیرین نظامی و گل و نوروژ خواجوی کرمانی که تقلیدی از این اثر نظامی است به کار گرفته شده است و پژوهش حاضر به مقایسه ساختار این دو داستان می‌پردازد.

۱-۳- پیشینه پژوهش:

پژوهشگران درباره ارزش و اهمیت داستان خسرو و شیرین و نقش این اثر نظامی در خلق سایر آثار غنایی و تقلیدهای فراوان از آن و مواردی از این دست به گسترده‌گی سخن گفته‌اند، اما در زمینه نقد ساختاری خسرو و شیرین می‌توان به «مقایسه روایی و ساختاری خسرو و شیرین نظامی با شیرین و خسرو امیر خسرو دهلوی» (۱۳۷۷) از عصمت اسماعیلی و «نقد ساختاری مناظره خسرو و فرهاد در منظومه خسرو و شیرین نظامی» (۱۳۸۸) از زینب نوروزی اشاره کرد. در سال (۱۳۹۳) نیز مقاله‌ای با عنوان «مقایسه ساختاری داستان خسرو و شیرین نظامی با شمس و قمر خواجه مسعود قمی» توسط پریسا اورک در نشریه پژوهشنامه ادب غنایی سیستان به چاپ رسیده است. در زمینه نقد ساختاری، گل و نوروژ خواجو نیز در مرکز توجه پژوهشگران قرار گرفته است. شیرزوانی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای شخصیت و شخصیت‌پردازی در

منظومه گل و نوروز را مورد بررسی قرار داده و پایان‌نامه‌ای نیز با عنوان تحلیل همه سویه گل و نوروز خواجه‌ی کرمانی (۱۳۹۰) توسط شمس حاجیلو کار شده است، اما در زمینه بررسی ساختار داستان‌های عاشقانه فارسی باید به اثر دکتر حسن ذوالفقاری با عنوان «یکصد منظومه عاشقانه فارسی» اشاره کرد، وی در اثر خود (۱۳۹۳) یکصد منظومه عاشقانه فارسی را مورد بحث و بررسی قرار داده و ساختار روایی و خویشکاری‌های تمام منظومه‌های فارسی را تعیین کرده است، علاوه بر این عناصر داستانی و بن‌مایه‌ها در هر داستان نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند. پژوهش حاضر با یک شیوه متفاوت و جزئی‌نگر به مقایسه ساختار خسرو و شیرین و منظومه گل و نوروز که تقلیدی از منظومه نظامی است می‌پردازد. در این پژوهش خویشکاری‌های قهرمان، شخصیت‌ها، انواع حرکت‌ها و صحنه آغازین در هر دو منظومه مورد بحث قرار گرفته است که با مقایسه آنها می‌توان به میزان تقلید و تأثیرپذیری خواجه‌ی کرمانی از شاعر گنجه پی برد.

۱-۴- نظامی و خسرو و شیرین:

خسرو و شیرین دومین اثر نظامی است که در بحر هزج مسدس سروده شده و بعدها همین بحر، وزن مثنوی‌های غنایی در ادب فارسی شده است. نظامی در سرودن این مثنوی تحت تأثیر ویس و رامین بوده و علاوه بر این از روایت‌های شفاهی عشق خسرو به شیرین که از دیر باز در بین مردم و بخصوص در بردع و گنجه آوازه‌ای داشته است نیز بهره برده است و با توجه به مستندات تاریخی و روایت‌های شفاهی و تخیل خود روایتی نو و تازه ساخته است. بن‌مایه‌هایی مثل شیر کشتن خسرو، خواب، نادیده عاشق شدن، و جوی کردن فرهاد با تیشه... گواه این مدعا است. (ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۲۸۴)

۱-۵- خواجه‌ی کرمانی و «مثنوی گل و نوروز»

ابوالعطا کمال‌الدین محمود بن علی بن محمود متخلص به خواجه از شعرای بزرگ و بلند آوازه قرن هشتم است که از آغاز شاعری، سخن او مورد توجه بزرگان شعر و ادب بوده است و صاحبان تذکره به اتفاق از او به احترام یاد کرده‌اند.

دولت‌شاه سمرقندی او را «ملک الفضلا» و «نخل‌بند شعرا» معرفی می‌کند (دولت‌شاه سمرقندی، ۱۳۴۵: ۱۸۷) و ملاً عبدالنّبی فخرالزمانی قزوینی در تذکره میخانه وی را «نخل‌بند دیوان نکته‌دانی افضل‌الدین خواجوی کرمانی» می‌نامد. (فخرالزمانی، ۱۳۶۷: ۷۵)

مثنوی «گل و نوروذ» بر وزن «خسرو و شیرین» حکیم نظامی در بحر هزج مسدّس محذوف یا مقصور در عشق شاهزاده‌ای «نوروذ» نام با «گل» دختر پادشاه روم است. مسلماً خواجو این مثنوی را برای نظیره‌سازی در برابر خسرو و شیرین نظامی سروده است و ترجمه از هندیست که «تعداد ابیات این مثنوی در حدود ۲۵۰۰ بیت است»، (سهیلی، ۱۳۶۹: ۷۵) اما دکتر صفا تعداد ابیات این مثنوی را ۵۳۰۲ بیت بیان کرده است. (صفا، ۱۳۷۸، ج ۳: ۱۸۹)، «در مجموع این داستان بازآفرینی و نظم روایتی کهن بوده است؛ خواجو در آغاز داستان تصریح می‌کند که این منظومه به لفظ هندی بوده و آن را داستان پردازان بابل ترتیب داده‌اند... بن‌مایه‌های داستان نیز، شباهت آن را به داستان‌های عامیانه نشان می‌دهد؛ مثل بی‌فرزندی، نسبت شاهانه، شکار، شنیدن وصف و عاشق شدن، شرط‌گذاری برای عقد، کشتن اژدها، یک بار بیرون آمدن معشوق در سال، خواب دیدن دو مرغ بهشتی، عشق‌های حاشیه‌ای، نیرنگ، جادو، زهر دادن، دیدار با کشیش و راهب، سفر، گرفتاری به دست دزدان، کشتن غلام غول‌پیکر، دفاع از کشور معشوق، رقیب، لباس مبدل و نهانی به خوابگاه معشوقه رفتن». (ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۶۹۱)

۲- بحث و بررسی

۲-۱- عناصر اصلی و فرعی (کمکی)

عناصر اصلی همیشه در داستان وجود دارند و تغییر نمی‌کنند و ساختارگرایان به منظور یافتن آنها به تحلیل آثار می‌پردازند. پراپ این عناصر سازنده روایت را «کارکرد» نامیده است و مترجمان فارسی زبان «function» را کارکرد، خویشکاری، کنش و نقش ویژه ترجمه کرده‌اند. «خویشکاری یا کارکرد، یعنی؛ عمل شخصیّتی از اشخاص قصّه که از نقطه نظر اهمّیتی که در جریان عملیات قصّه دارد، تعریف می‌شود». (پراپ، ۱۳۸۶: ۵۳)

در کنار خویشکاری‌هایی که عناصر سازنده و اصلی داستان هستند، اجزای سازهایی هستند که گرچه تکامل و پیشرفت عملیات قصّه را تعیین نمی‌کنند، با وجود این دارای اهمّیت

فراوان هستند و برای پیوند دادن یک خویشکاری به خویشکاری دیگر در جریان عملیات قصه به کار می‌روند، پراپ این عناصر فرعی (کمکی) را پیونددهنده می‌نامند. (پراپ، ۱۳۸۶: ۱۴۵) آگاهانیدن، گفتگو، ترتیب دادن مجلس جشن و عروسی و ... از عناصر پیونددهنده به شمار می‌روند و در این مقاله با علامت «§» مشخص شده‌اند.

جدول شماره ۲ - خویشکاری‌های خسرو و شیرین و گل و نرروز

خسرو و شیرین			گل و نرروز		
اصلی یا پیونددهنده	خویشکاری	ردیف	اصلی یا پیونددهنده	خویشکاری	ردیف
اصلی	کمبود/شر A / a	۱	اصلی	کمبود/شر A / a	۱
اصلی	رفع شر یا کمبود K	۲	اصلی	رفع شر یا کمبود K	۲
فرعی	آگاهانیدن §	۳	اصلی	غیبت β	۳
اصلی	تصمیم C	۴	فرعی	دیدار §	۴
اصلی	عزیمت ↑	۵	اصلی	خبرگیری ε	۵
فرعی	انگیزش mot	۶	اصلی	دریافت خبریā	۶
اصلی	اولین بخشنده D	۷	اصلی	بازگشت ↓	۷
اصلی	واکنش قهرمان E	۸	اصلی	اولین بخشنده D	۸
اصلی	نیرنگ η	۹	اصلی	واکنش قهرمان E	۹
اصلی	همکاری ناخواسته θ	۱۰	فرعی	آگاهانیدن §	۱۰
اصلی	یاریگر جادویی F	۱۱	اصلی	دستور، نهی γ	۱۱
فرعی	گفتگو §	۱۲	اصلی	اطاعت، نقض نهی δ	۱۲
اصلی	علامت گذاشتن J	۱۳	فرعی	انگیزش mot	۱۳
اصلی	رسیدن ناشناس O	۱۴	اصلی	تصمیم C	۱۴
اصلی	تغییر شکل T	۱۵	اصلی	عزیمت ↑	۱۵
اصلی	غیبت β	۱۶	اصلی	نیرنگ η	۱۶
فرعی	مجلس مهمانی §	۱۷	اصلی	همکاری ناخواسته θ	۱۷
اصلی	خبرگیری ε	۱۸	اصلی	انتقال به مکان دیگر G	۱۸
اصلی	دریافت خبریā	۱۹	اصلی	تعقیب P r	۱۹
اصلی	تعقیب P r	۲۰	اصلی	مبارزه H	۲۰

اصلی	نجات R s	۲۱	اصلی	پیروزی I	۲۱
اصلی	شناختن Q	۲۲	اصلی	یاری خواستن B	۲۲
اصلی	مبارزه H	۲۳	اصلی	تغییر شکل T	۲۳
اصلی	پیروزی I	۲۴	اصلی	مجازات شریر U	۲۴
اصلی	مجازات شریر U	۲۵	اصلی	ازدواج/سلطنت W	۲۵
اصلی	یاری خواستن B	۲۶	اصلی	نجات R s	۲۶
اصلی	کارسخت M	۲۷	اصلی	کارسخت M	۲۷
اصلی	انجام کار سخت N	۲۸	اصلی	انجام کار سخت N	۲۸
اصلی	دستور، نهی γ	۲۹	اصلی	رسیدن ناشناس O	۲۹
اصلی	اطاعت، نقض نهی δ	۳۰	اصلی	ادعای دروغین L	۳۰
اصلی	ادعای دروغین L	۳۱	اصلی	علامت گذاشتن J	۳۱
اصلی	افشاگری EX	۳۲	اصلی	باریگر جادویی F	۳۲
اصلی	انتقال و سوار شدن G	۳۳	اصلی	افشاگری EX	۳۳
اصلی	بازگشت ↓	۳۴	اصلی	شناختن Q	۳۴
اصلی	ازدواج/سلطنت W	۳۵		----	۳۵

با اینکه پراپ معتقد است که تمام کارکردهای پیشنهادی او در تمام قصه‌ها دیده نمی‌شود، (رجوع کنید به پراپ، ۱۳۸۶: ۵۴) اما جدول خویشتکاری‌ها بیانگر این است که همه کارکردهای الگوی پراپ با توالی متفاوت در این داستان‌ها وجود دارد. علاوه بر کارکردهای اصلی در داستان گل و نورو سه عنصر پیونددهنده و در خسرو و شیرین چهار پیونددهنده به کار رفته است.

۲-۲- همسانگردی:

در ریخت‌شناسی گاهی برخی از صورت‌ها (کنش‌ها) در صورت‌های دیگر نفوذ می‌کنند، پراپ در مواردی که خویشتکاری واحدی معنی ریخت‌شناسی دوگانه‌ای دارد اصطلاح همسانگردی راه‌های انجام دادن خویشتکاری‌ها را بکار برده است. (پراپ، ۱۳۸۶: ۱۳۷) در دو منظومه نظامی و خواجو نیز مواردی از همسانگردی به چشم می‌خورد.

در داستان «گل و نوروز» هنگامی که شاهزاده، بنگاهی در مسیر قلعه سلم رومی برپا می‌کند، قصد فریفتن (η) ساکنان قلعه را دارد و موفق می‌شود با خادم سلم طرح دوستی بریزد (θ)، اما کنش تغییر شکل (T) نیز وجود دارد.

در داستان نظامی نیز هنگامی که شاپور خود را به شکل پرنده‌ای درمی‌آورد، کنش (F) از یاریگری که عامل جادویی خود را عرضه می‌دارد ظاهر می‌شود، اما در عین حال، رسیدن به صورت ناشناس (O) نیز مطرح است؛ یا هنگامی که شیرین برای آزمودن هوشیاری خسرو در شب زفاف عجوزه‌ای را به جای خود به حجله می‌فرستد، کنش شرارت (جایگزین کردن دروغین) مطرح است و در همان حال کارکرد ادعای دروغین (L) نیز از جانب عجوزه به ذهن متبادر می‌شود.

۲-۳- صحنه آغازین (α):

این عنصر با آنکه خویشکاری محسوب نمی‌شود، با این حال یک عنصر ریخت‌شناسی بسیار مهم است، صحنه آغازین معرف اطلاعات اولیه در مورد شخصیت‌های قصه و وضعیت تعادل حاکم بر آن قبل از وقوع شرارت یا کمبود است و توصیفی از جزئیات عرضه می‌دارد و گاهی بر خوشبختی و رفاه زندگی تأثیر می‌گذارد، این خوشبختی و بهروزی طبیعتاً به مثابه زمینه متضادی است برای بدبختی و روزگار سختی که از پس فرا می‌رسد. (پراپ، ۱۳۸۶: ۶۲-۶۰)

جدول (۲-۳-۱)

ردیف	صحنه آغازین (α)	خسرو و شیرین	گل و نوروز (اصلی، فرعی)
۱	وصف زندگی و خوشبختی قهرمان (حالت آرامش) که منجر به عدم تعادل (آرامش) می‌شود	داستان اصلی ۶	داستان اصلی ۱ داستان فرعی ۱
۲	وصف زندگی و خوشبختی قهرمان (حالت آرامش) که منجر به عدم تعادل شده و در نهایت آرامش برقرار می‌شود.	داستان اصلی ۴	داستان اصلی ۳ داستان فرعی ۴

جدول (۲-۳-۲)

گل و نورو ز	خسرو و شیرین	
نوروز بزرگ می شود و در همه علوم و فنون مهارت پیدا می کند.	خسرو تحت تعلیم قرار می گیرد و دریای علم و فرهنگ می شود.	آرامش اولیه
نوروز با شنیدن زیبایی گل از جهان افروز کشمیری عاشق وی می شود و راهی روم می شود.	خسرو با شنیدن اوصاف شیرین ارمنی از شاپورنقاش عاشق او می شود.	برهم خوردن آرامش
۱- جنگ با شروین ۲- حیلۀ سلم برای تصاحب اموال نوروز ۳- ربوده شدن گل توسط طوفان جادو	۱- شورش بهرام ۲- حیلۀ قتل فرهاد ۳- حیلۀ شکر ۴- تهدید به ازدواج ۵- شرارت شیرویه ۶- کودتای شیرویه ۷- کشتن پدر	شر
شکست شروین، کشتن سلم و رساندن شروین به پادشاهی، نجات گل از اسارت، ازدواج با گل و نشستن بر تخت پادشاهی	شکست بهرام و رسیدن به پادشاهی، مرگ فرهاد و مریم، ازدواج با شکر، ازدواج با شیرین، مرگ خسرو و شیرین (پایان داستان)	آرامش مجدد

۲-۴- حرکت

پراپ قصه را آن بسط و تطوری می داند که از شرارت (A) یا کمبود (a) شروع می شود و با گذشت از خویشکاری های میانجی به ازدواج (W) یا به خویشکاری های دیگری که به عنوان پایان قصه به کار گرفته شده است، می انجامد (پراپ، ۱۳۸۶: ۱۸۳). وی این گونه بسط و تحویل در قصه را اصطلاحاً «حرکت» می نامد و می گوید: هر قصه ممکن است چندین حرکت داشته باشد، به همین دلیل لازم است ابتدا حرکت ها در داستان مورد بررسی قرار گیرند. طبق تعریف می توان گفت که آرامش داستان به حرکت ها بستگی دارد. آرامش اولیه در داستان با وجود یک نیاز یا مشکلی به هم می خورد، ممکن است در ادامه قصه دوباره آرامش اولیه برقرار شود یا به همان صورت حرکت متوقف شود و این به هم خوردن آرامش آغاز یک حرکت جدید خواهد بود.

در این پژوهش برای تمام حرکت های خسرو و شیرین و گل و نورو ز جداول مستقلی تنظیم شده است، اما از آنجا که آوردن همه جداول سخن را به درازا خواهد کشاند، در این قسمت برای خلاصه هر داستان یک جدول از کل حرکت ها تنظیم گردید.

۲-۴-۱- خلاصه داستان خسرو و شیرین، کارکردها و حرکت‌ها

<p>حرکت اول ناتمام</p>	<p>هرمز پادشاهی دادگر و دیندار بود (α) که فرزندی نداشت (a^6) پس از نذر و قربانی خداوند پسری به نام «پرویز» به او عنایت کرد (k^6) پرویز شبی در خواب نیای خود انوشیروان را دید که او را به چهار چیز (معشوق، اسبی به نام شب‌دیز، پادشاهی و مطربی به نام باربد) بشارت داد. (§۱) پس از بشارت انوشیروان روزی خسرو پرویز از ندیم خود، شاپور، وصف شیرین ارمنی را شنید و عاشق او شد. (a^4) به درخواست خسرو شاپور راهی سرزمین ارمن شد $mot(c\uparrow)$ و از طریق پیران دیر (D) محل شیرین را پیدا کرد (E) و چون نقاش ماهری بود تصویری از خسرو کشید و در معرض دید شیرین قرار داد (η) این عمل سه بار تکرار شد و هر بار کنیزکان از ترس اینکه شیرین عاشق تمثال شود آن را پاره کردند و به جادوی پیران نسبت دادند اما شیرین با دیدن تصویر شیفته آن شد (θ) و شاپور خود را به شکل پرنده‌ای درآورد. (O.F) سرانجام شاپور راز خود را فاش کرد (Q) و از عشق خسرو به شیرین سخن گفت (§) و با دادن</p>
<p>پایان حرکت دوم</p>	<p>انگشتی (J) به او وعده ازدواج داد (W^x) (۲) به تدبیر شاپور شیرین به بهانه شکار (a^6) به سمت مدائن به راه افتاد ($c\uparrow$) خسرو نیز به سمت ارمن حرکت کرد ($c\uparrow$) آن دو در</p>
<p>پایان حرکت سوم</p>	<p>مسیر هنگامی که شیرین مشغول آب‌تنی بود باهم ملاقات کردند (O) اما چون خسرو لباس مبدل داشت (T) همدیگر را نشناختند و از هم جدا شدند. (β^3) (۳) در ادامه داستان پس از ورود شیرین به حرمسرای خسرو، ماهرویان به دلیل حسادت، قصری در منطقه‌ای بد آب و هوا برای شیرین می‌سازند (A^x) خسرو پس از شرکت در مجلس مهمانی مهین بانو (عمه شیرین) (§) خبر مرگ هرمز را می‌شنود و راهی مدائن می‌شود ($c\uparrow$) و بر تخت پادشاهی می‌نشیند (W^x) (۴) خسرو به یاد شیرین می‌افتد (a^4)</p>
<p>پایان حرکت چهارم</p>	<p>و از ماهرویان پرس‌وجو می‌کند (E) و آنها می‌گویند که به مکانی نامعلوم رفته است (C) در این هنگام بهرام چوبین شورش می‌کند (pr) و خسرو به آذربایجان می‌گریزد (Rs) سرانجام عاشق و معشوق در شکارگاهی همدیگر را می‌بینند (Q) خسرو از شیرین کام می‌طلبد و شیرین پاسخ منفی می‌دهد (Eneq) سپس خسرو با خشم و غضب به روم می‌رود و قیصر دختر و تخت پادشاهی‌اش را به وی می‌دهد (W^x) (۵) خسرو از قیصر سپاهی درخواست می‌کند (a^1) و به جنگ بهرام می‌رود (H) و او را شکست می‌دهد (I) و بهرام را به سزای کارش می‌رساند (U) و خسرو دوباره به تاج و تخت می‌رسد</p>
<p>پایان حرکت پنجم</p>	<p>و بهرام را به سزای کارش می‌رساند (U) و خسرو دوباره به تاج و تخت می‌رسد</p>
<p>پایان حرکت ششم</p>	<p>(۶) (W^x) شیرین تنها از شیر ارتزاق می‌کند (a^1) اما تهیه شیر برای وی مشکل است و شاپور از سنگ‌تراشی به نام فرهاد یاری می‌خواهد (B) شیرین به فرهاد مأموریت</p>

پایان حرکت هفتم	می دهد جویی از سنگ بتراشد (M) و فرهاد در مدت یک ماه جویی از سنگ می تراشد و مشکل تهیه شیر را حل می کند. (N) شیرین پاداش کار وی را می پردازد (Wx)(۷)
پایان حرکت هشتم	فرهاد عاشق شیرین می شود (a ⁴) و چون این خبر به خسرو می رسد به او دستور می دهد (۷) کوه بیستون را بکند و فرهاد مشغول کار می شود (δ) خسرو حیل‌های می اندیشد (A) و عجزه‌ای بدخبر را به نزد فرهاد می فرستد (B) تا خبر مرگ دروغین شیرین را به فرهاد برساند، فرهاد با شنیدن خبر از کوه سقوط می کند و می میرد. (β ^r) پس از مرگ فرهاد مریم نیز از دنیا می رود (β ^r)(۸). خسرو از شیرین می خواهد که به قصر برود (a ⁴) و هنگامی که با ناز و اعراض شیرین مواجه می شود، در طلب شکر اصفهانی (a ⁴) به اصفهان می رود (C↑) شکر کنیزی را به جای خود (L/A) به نزد خسرو می فرستد، خسرو پس از درک ماجرای کنیزک (Ex) و پاکی شکر با او ازدواج می کند. (Wx) (۹) خسرو خیلی زود از شکر سیر می شود و به یاد شیرین می افتد (a ⁴)
پایان حرکت نهم	صبح یکی از روزها خسرو سوار اسب شده و به قصر شیرین می رود (G) خسرو تهدید می کند که اگر شیرین او را به قصر راه ندهد با کس دیگری ازدواج می کند (A) اما شیرین پاسخ منفی می دهد و خسرو باز می گردد (↓)(۱۰) پس از بازگشت خسرو، شیرین بی تابی می کند (a ⁴) و با لباس مبدل به لشکرگاه خسرو می رود (O) و شاپور را می شناسد (Q) با رسیدن شیرین، خسرو خوابی می بیند و شاپور آن را به وصال تعبیر می کند. (§) خسرو مجلس مهمانی ترتیب می دهد (§) و شیرین به صورت ناشناس وارد مجلس می شود (O)، خسرو و شیرین هر کدام نوازنده‌ای انتخاب می کنند. آندو توسط باربد و نکسیا باهم گفتگو می کنند (§) و سرانجام خسرو شیرین را می شناسد (Q) و در زمانی نیک او را به عقد خود درمی آورد. (Wx) (۱۱) شیرویه پسر خسرو و مریم رومی بود و پیوسته پدر را آزرده خاطر می ساخت (α). خسرو از شرارت‌های شیرویه به بزرگ امید شکایت می کند (A ¹⁵) و بزرگ امید او را دلداری می -
پایان حرکت دوازدهم	دهد (§) شیرویه پس از اقامت خسرو در آتسخانه خود بر تخت شاهی می نشیند (A) و سرانجام در شبی تاریک جگرگاه او را می درد (A) و شیرین گریه و زاری سر می دهد (B ⁷) (۱۲).
پایان حرکت سیزدهم	شیرویه کسی را به خواستگاری شیرین می فرستد (a ⁴) اما شیرین در کنار تابوت خسرو با دشنه‌ای خود را مجروح می سازد و جان می دهد. (β ^r)(۱۳)

۲-۴-۲- خلاصه داستان گل و نوروز، کارکردها و حرکات

پایان حرکت اول	<p>پیروز پادشاه خراسان که نژاد او به ساسانیان می‌رسید (α) از نداشتن فرزند رنج می‌برد (a^1) تا اینکه در روز نوروز خداوند به او فرزندی عطا فرمود و او را نوروز نامیدند (k^1) (۱) روزی از روزها که نوروز از ماندن در قصر دلگیر شده بود (a^1) برای شکار به صحرا رفت (β^r) و با پیری به نام «جهان‌افروز کشمیری» ملاقات کرد</p>
حرکت دوم ناتمام	<p>(§) جهان‌افروز به نوروز گفت که علت شیدایی مردم روم را از پیری کار دیده سؤال کرده است (E) و پیر دختر زیبای قیصر (گل) را عامل شیدایی مردم معرفی کرده است. (C) (نوروز پس از شنیدن این سخنان به قصر بازگشت. (L) (۲) نوروز دل‌باخته «گل» شد (a^4) و از پدر برای رفتن به روم اجازه گرفت (D) اما پدر نپذیرفت. (Eneq)</p>
حرکت سوم ناتمام	<p>(پادشاه توسط دومرغ سبز از عاشق شدن نوروز و وصال او به «گل» مطلع شد. (S) نصایح پدر و مهرسب حکیم (Y) در نوروز مؤثر واقع نشد (D) و وی عزم جدی خود را برای سفر به دیار معشوق اعلام کرد (mot) (C) (۳) نوروز نتوانست عشق گل را فراموش کند (a^4) و از پدرش خواست به ملاقات پیری مستجاب‌الدعوه برود (H) و پدر به او اجازه داد. (H) در ادامه مسیر، نوروز از همراهان جدا شد و همراهان به دنبال رد پای اسب او رفتند (Pr) اما او را نیافتند. (E) نوروز در سرحد روم جوانی را در حال اشک ریختن دید و جوان با دیدن نوروز به او حمله‌ور شد. (A) آن دو باهم درگیر شدند (H) و نوروز جوان را شکست داد. (I) جوان خود را شروین پسر شروان</p>
حرکت چهارم ناتمام	<p>و عاشق «سلمی» دختر سلم رومی معرفی کرد (S) و از نوروز برای رسیدن به سلمی یاری خواست (B) و نوروز به او قول مساعدت داد. (S) به همین منظور نوروز در لباس تاجران (T/H) در مسیری قلعه سلم رومی برپا کرد و خادم سلم با وی طرح دوستی ریخت. (H) (۵). سلم تصمیم گرفت نوروز را بکشد و اموال او را غصب کند (A) اما نوروز توسط خادم از قصد سلم آگاه شد (S) و سر از بدن او جدا کرد (U) و شروین را به جای او بر تخت سلطنت نشانده (W) و سلمی را به ازدواج او درآورد. (W*) (۶) نوروز برای یافتن گل (a^4) دوباره به راه افتاد</p>
حرکت پنجم ناتمام	<p>(mot) (C) (۷) و این بار به جوانی فراری به نام «فرخ روز» که از خواستگاران گل بود برخورد و از ماجرای او و جنگ با قیصر آگاه شد (S) و کشیشی به او مزده وصال با «گل» را داد. (S) شاهزاده در مسیر روم با گروه دزدانی که به شوهر دایه گل حمله کرده بودند مواجه شد، سالار دزدان به او حمله‌ور شد ولی تیر به نوروز اصابت نکرد (RS)، در ادامه داستان نوروز در شهر قیصریه با ازدها مواجه شد (M) و آن را نابود کرد (N) و سپس به قصر قیصر وارد شد. (O) او خود را یک سپاهی ازدهاکش معرفی کرد (L)، قیصر سیم و زر بسیاری نثارش کرد (F) و از او خواست با «شبل</p>

پایان حرکت هفتم	زنگی» کشتی بگیرد(D)، نورو با شیل زنگی کشتی گرفت (H) و پیروز شد(I) و از میدان بیرون رفت(β^r)(V). در این زمان دایه گل به نزد نورو رفت و از عشق گل به نورو خیر داد(a^4) سپس نورو «گل» را خواستگاری کرد(D) اما شاه به او دستور داد که به جنگ «فرخ روز» برود(V) و نورو اطاعت کرد(δ) و بازگشت (\downarrow)(A) نورو از شدت عشق آرامش نداشت(a^4) بنابراین پنهانی به قصر قیصر رفت(mot) (C \uparrow) و در حالیکه «گل» به خواب عمیقی فرورفته بود انگشتی در دست «گل» کرد(J) و از آنجا دور شد.(β^r)(9) همان شب طوفان جادو «گل» را ربود(A \downarrow) و نورو به درخواست قیصر با گروهی به جستجوی گل رفت(β^r) اما در ادامه مسیر همراهانش را گم کرد و بیهوش شد و وقتی به هوش آمد، جوانی مکان گل را به او نشان داد.(F) نورو به مکان «طوفان جادو» رفت و با شکستن طلسم، گل را نجات داد.(K) روزی در مجلسی مهران، پسر مهرسب حکیم، نژاد «نورو» را فاش کرد(Ex) و قیصر او را شناخت (Q) و گل را به عقد او درآورد.(W *)(10) پس از مراسم ازدواج نورو برای دیدن پدرش (a^7) راهی ایران شد. (mot) (C \uparrow) و پس از مرگ پدر بر تخت پادشاهی نشست. (W *) پس از چندی گل و نورو صاحب فرزندی به نام قباد شدند. پس از سالها نورو دار فانی را وداع گفت(β^r) بعد از چند ماه نیز گل درگذشت(β^r) و قباد به جای پدر بر تخت نشست. (W *)(11)
حرکت هشتم ناتمام	
پایان حرکت نهم	
پایان حرکت دهم	
پایان حرکت یازدهم	

۲-۴-۳- جدول حرکت‌های دو داستان

گل و نورو			خسرو و شیرین			آغاز	پایان	شماره حرکتها	ردیف
شماره حرکتها	بسامد	پایان	آغاز	بسامد	پایان				
۱	۱	K 6	a 6	۱	۱	K 6	a 6	۱	۱
۲،۸	۲	\downarrow	a 6	۳	۱	β^r	a 6	۲	۲
۶	۱	W *	A 19	۵،۲،۹،۱۱	۴	W *	a 4	۳	۳
۱۰	۱	W *	A 1	۱۳، ۸	۲	β^r	a 4	۴	۴
۷،۹	۲	β^r	a 4	۷، ۶	۲	W 0	a 6	۵	۵
۳	۱	\uparrow	a 4	۱۰	۱	\downarrow	a 4	۶	۶
۴	۱	Pr	a 4	۴	۱	W *	A *	۷	۷
۵	۱	θ^3	A 5	۱۲	۱	B 7	A 15	۸	۸
۱۱	۱	W *	a 6	-	-	-	-	۹	۹

با بررسی جدول و حرکت‌های دو داستان مشخص شد که هشت حرکت از مجموع سیزده حرکت داستان نظامی دارای آغاز و پایان مشترک هستند. همچنین در داستان گل و نوروز که یک داستان یازده حرکتی است چهار حرکت، آغاز و پایان مشابه دارند.

۲-۵- بررسی نوع بسط داستان‌ها:

پراب معتقد است که داستان‌ها از نظر محتوا با چهار الگو بسط و گسترش می‌یابند. بسط از طریق خویشکاری کشمکش و پیروزی (H-I)، بسط به وسیله خویشکاری کار دشوار و انجام آن (M-N)، بسط از طریق (H-I) و (M-N) و در الگوی چهارم، داستان بدون هیچ یک از اینها بسط پیدا می‌کند. (پراب، ۱۳۸۶: ۲۰۱)

جدول (۲-۵-۱)

گل و نوروز		خسرو و شیرین		الگوی بسط	
بسامد	شماره حرکت	بسامد	شماره حرکت	نوع بسط	ردیف
۱	۶	۱	۶	(H-I)	۱
-	-	۱	۷	(M-N)	۲
۱	۷	-	-	(H-I, M-N)	۳
۹	۵،۸،۹،۱۰،۱۱،۱۲،۳،۴	۱۰	۱،۲،۳،۴،۵،۸،۹،۱۰،۱۱،۱۲،۱۳	بدون (H-I, M-N)	۴

جدول بسط حرکت‌ها نشان می‌دهد که:

در داستان خسرو و شیرین یک حرکت با الگوی (H-I) و یک حرکت با الگوی (M-N) یازده حرکت نیز با الگوی چهارم بسط یافته‌اند، اما در منظومه خواجه، یک حرکت مطابق الگوی اول (H-I) بسط و یک حرکت با الگوی سوم (H-I, M-N) بسط یافته‌اند، نه حرکت نیز از طریق الگوی چهارم (بدون (H-I, M-N)) صورت گرفته است.

۲-۶- تعریف شخصیت:

در یک داستان همواره اشخاصی وجود دارند که اعمال موجود در داستان را انجام می‌دهند و یا در معرض وقوع حوادث و اتفاقات قرار دارند؛ «اشخاص داستان عامل یا معمول رخدادها هستند، یعنی؛ آنان یا اعمال را انجام می‌دهند و یا رخدادها برایشان پیش می‌آید و به هر جهت معنای خود را از نسبتی که با آنان دارند، به دست می‌آورند.

از سوی دیگر بدون وقایع، داستان و شخصیت داستانی موجودیت نمی‌یابد؛ بنابراین همواره باید به رابطه دوجانبه و تنگاتنگ شخصیت و طرح توجه داشت. (اخلاقی، ۱۳۷۷: ۱۶۸)

پراپ در ریخت‌شناسی داستان هفت نوع شخصیت مشخص کرده است: «قهرمان، شاهدخت، بخشنده یا پیشگو، یاریگر، فرستنده، شریر یا بدکار و قهرمان دروغین یا شیاد». (احمدی، ۱۳۸۶: ۱۴۵)

جدول (۲-۶-۱)

شخصیت‌های الگوی پراپ		خسرو و شیرین	گل و نوز
ردیف	شخصیت‌ها	بسامد	بسامد
۱	قهرمان	۱۱	۱۳
۲	شاهدخت	۹	۱۰
۳	بخشنده	۴	۷
۴	یاریگر	۱۱	۸
۵	فرستنده	۲	۲
۶	شریر	۸	۶
۷	قهرمان دروغین	۱	۱

۲-۷- صفات اشخاص:

عناوین و صفات قهرمانان کمیت‌های متغیر قصه هستند. هدف پراپ از صفات اشخاص قصه، مجموعه همه خصائص ظاهری قهرمانان مانند سن، جنس، مقام، ظاهر و جزئیات سیما و ظاهر و مانند این‌هاست. این صفات اشخاص قصه، درخشندگی و زیبایی ویژه‌ای به آن می‌بخشد. (پراپ، ۱۳۸۶: ۱۷۵)

نظامی و خواجه نیز با کلک خیال‌انگیز خود به توصیف اشخاص در داستان‌های خود توجه داشته‌اند و گاه همین توصیف هنرمندانه آن‌هاست که سبب می‌شود این منظومه‌ها مورد توجه و اقبال عمومی قرار بگیرند. این توصیفات به دو شکل صورت گرفته است:

ردیف	نوع توصیف	نام شخصیت‌ها در خسرو و شیرین	نام شخصیت‌ها در گل و نوز
۱	معرفی شخصیت و توصیف مفصل جزئیات	خسرو، شیرین، مهین بانو، شکر، فرهاد، شیرویه	پیروز، نوز، گل، جهان‌افروز، شروین، فرخ روز، شبل زنگی، قباد، دانش افروز
۲	معرفی شخصیت و توصیف خصوصیات به اجمال	هرمز، بزرگ امید، شاپور، بهرام، مریم، ماهرویان حرمسرا، ...	مهرسب، مهران

مثال: توصیف نوروز

به لطف از هشت خلد افزون‌تر آمد
ز مدهوشی فتادی در بن چاه...
به دانش گشت در عالم یگانه...
به یک دست از فلک نه دست بردی...
به کوه و در زلازل درفتادی
بدردی به خنجر پرده بر میغ
برآوردی فغان از شیر غران...
(گ، ص ۴۹۱)

چراغی روشن از نور الهی
به طالع تاجداری تخت‌گیری...
شکر خندیدنی از صبح خوشتر...
(خ، ص ۱۴۶)
حساب جنگ شیر و اژدها کرد
سرسی سالگان می‌داد بر باد
ستونی را قلم کردی به شمشیر...
(خ، ص ۱۴۷)

به حسن از هفت کشور بر سرآمد
گوش یوسف بدیدی بر سر راه
به اهلیت علم شد در زمانه
به شطرنج آن زمان کو دست بردی
چو زین بر پشت که پیکر نهادی
به تیر از شاه انجم بستدی تیغ
چو بگرفتی به کف شمشیر برآن

توصیف خسرو:

گرامی درّی از دریای شاهی
مبارک طالعی فرخ‌سیریری
رخی از آفتاب اندوه کش‌تر
پس از نه سالگی مکتب رها کرد
چو برده سالگی افکند بنیاد
بسر پنجه شدی با پنجه شیر

نتیجه‌گیری

با مقایسه ساختار داستان خسرو و شیرین نظامی و گل و نرورز خواجوی کرمانی شباهت‌ها و تفاوت‌ها، میزان تطابق هر داستان با الگوی نقد ساختاری مطرح شده و میزان تأثیرپذیری «گل و نرورز» از «خسرو و شیرین» مشخص می‌شود.

بررسی کارکردها در خلاصه هر داستان بیانگر این است که تمام کارکردهای سی و یک گانه پراپ در این دو منظومه عاشقانه به کار گرفته شده‌اند. آغاز حرکت‌ها با نیاز و یا شرارت انجام می‌گیرد و البته با عنایت به اینکه این منظومه‌ها جزء منظومه‌های عاشقانه فارسی هستند، کارکرد نیاز بسامد بیشتری دارد، اما در توالی کارکردها و مطابقت آن با توالی کارکردهای پراپ باید گفت که تفاوت اندکی در توالی کارکردهای هر دو داستان با الگوی مطرح شده مشاهده می‌شود. هرچند خود پراپ معتقد است که تمام کارکردهای قصه‌های پریان روسی در تمام قصه‌ها دیده نمی‌شود ولی در ساختار داستان‌های مورد بحث تمام کارکردهای سی و یک گانه به کار گرفته شده‌اند. با بررسی کارکردها در دو اثر مشخص شد که پدیده‌ای به نام همسانگردی که در آن یک کارکرد معنی ریخت‌شناسی دوگانه‌ای دارد، مشهود است.

صحنه آغازین به عنوان یک عنصر مهم در هر دو داستان به توصیف خوشبختی و رفاه خانواده که به اصطلاح ما آنرا حالت آرامش نامیده‌ایم، می‌پردازد؛ این حالت آرامش با احساس یک کمبود و نیاز و یا در چند مورد به دلیل یک شرارت به هم می‌خورد و زمینه برای بدبختی و برهم خوردن آرامش قهرمان قصه فراهم می‌شود و آرامش مجدد با رفع کمبود و یا شرارت دوباره در زندگی وی برقرار می‌شود. در داستان خسرو و شیرین تمام ده صحنه آغازین و در داستان گل و نرورز چهار صحنه آغازین (از داستان اصلی) و پنج صحنه آغازین (از پنج داستان فرعی) از این الگو پیروی می‌کنند و هر دو داستان از نظر نوع صحنه آغازین ساختار مشابهی دارند.

از نظر بسط داستان، سه مورد از تقسیم‌بندی چهارگانه پراپ در هر دو داستان مشهود است، به این صورت که بسط داستان خسرو و شیرین از طریق خویشکاری‌های کشمکش و پیروزی (H-I) و بسط از طریق کار سخت و انجام آن (M-N) و بسط بدون (H-I، M-N)

صورت گرفته است و اکثریت حرکت‌ها از همین نوع بسط (بسط نوع چهار از الگوی پراپ) پیروی می‌کنند.

اما در داستان گل و نوروز بسط از طریق خویشکاری‌های (H-I) و بسط از طریق هر دو جفت خویشکاری (H-I، M-N) و بسط بدون جفت خویشکاری (H-I، M-N) صورت گرفته است و همانند داستان خسرو و شیرین، در اکثریت حرکت‌ها بسط نوع چهارم پراپ مشاهده می‌شود.

با بررسی جدول مربوط به شخصیت‌ها، مشخص می‌شود که هر هفت شخصیت مطرح شده در الگوی پراپ در هر دو داستان نمود یافته‌اند، اما با توجه به خلاصه داستان‌ها می‌توان گفت که از نظر نوع شخصیت‌ها، خواجه‌کرمانی نسبت به نظامی از شخصیت‌های غیرانسانی و گاه فراطبیعی و خیالی بیشتر بهره گرفته است و این به دلیل عامیانه بودن داستان گل و نوروز است؛ زیرا همانطور که می‌دانیم نظامی علاوه بر روایت ویس و رامین و شاهنامه، اسنادی از تاریخ ساسانی نیز برای داستان خویش در اختیار داشته است.

از نظر توصیف و بیان صفات شخصیت‌ها، نظامی در مورد شخصیت‌ها و قهرمانان اصلی به تفصیل سخن رانده است و در مورد سایر اشخاص به ذکر مختصری از ویژگی‌های وی قناعت کرده است، اما خواجه در مورد اکثر شخصیت‌های منظومه خود به ذکر جزئیات نیز توجه داشته است.

نتایج به دست آمده از این پژوهش بیانگر این است که ساختار منظومه خسرو و شیرین و گل و نوروز به عنوان دو داستان عاشقانه - عامیانه با الگوی ساختاری پراپ در داستان‌های عامیانه مطابقت دارد اما برخی تفاوت‌های جزئی نیز مشهود است و هر دو اثر ساختار مشابهی دارند.

فهرست منابع و مآخذ

- ۱- احمدی، بابک، (۱۳۸۶)، *ساختار و تأویل متن*، تهران، نشر مرکز، چاپ نهم.
- ۲- اخلاقی، اکبر، (۱۳۷۸)، *تحلیل ساختاری منطق الطیر*، اصفهان، نشر فردا.
- ۳- اسماعیلی، عصمت، (۱۳۷۷)، *مقایسه روایی و ساختاری خسرو و شیرین نظامی با شیرین و خسرو امیر خسرو دهلوی*، مجله بهار، صص ۳۲-۳۹.
- ۴- امامی، نصرالله، (۱۳۸۵)، *مبانی و روش‌های نقد ادبی*، تهران، انتشارات جامی.
- ۵- اورک، پریسا، (۱۳۹۳)، *مقایسه ساختاری داستان خسرو و شیرین نظامی با شمس و قمر خواجه مسعود قمی*، پژوهشنامه ادب غنایی، سیستان و بلوچستان، صص ۶۶-۴۷.
- ۶- پراپ، ولادیمیر، (۱۳۶۸)، *ریخت شناسی قصه‌های پریان*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، انتشارات توس.
- ۷- خواجهی کرمانی، کمال‌الدین محمود، (۱۳۷۰)، *خمسه خواجهی کرمانی*، تصحیح سعید نیاز کرمانی، کرمان، چاپ اول.
- ۸- ذوالفقاری، حسن، (۱۳۹۳)، *یکصد منظومه عاشقانه فارسی*، تهران، نشر چرخ، چاپ اول.
- ۹- سلدن، رامان و ویستون، پیتر، (۱۳۸۴)، *راهنمای نظریه‌های ادبی معاصر*، ترجمه عباس مخبر، تهران، انتشارات طرح نو.
- ۱۰- سمرقندی، دولت‌شاه، (۱۳۴۵)، *تذکرة الشعراء*، تهران، انتشارات کتاب.
- ۱۱- سهیلی خوانساری، احمد، (۱۳۶۹)، *دیوان خواجهی کرمانی*، تهران، انتشارات پازنگ، چاپ دوم.
- ۱۲- شیرزوانی، مرضیه و کهدویی، کاظم، (۱۳۹۰)، *تحلیل شخصیت و شخصیت‌پردازی در گل و نوروز*، مجله نامه پارسی، صص ۲۱۳-۱۹۹.
- ۱۳- صفا، ذبیح‌الله، (۱۳۷۸)، *تاریخ ادبیات در ایران*، تهران، انتشارات فردوس، چاپ یازدهم.
- ۱۴- فخرالزمانی قزوینی، ملا عبدالنبی، (۱۳۶۷)، *تذکرة میخانه*، به کوشش احمد گلچین معانی، تهران، انتشارات مروی، چاپ پنجم.
- ۱۵- نظامی، الیاس بن یوسف، (۱۳۷۲)، *کلیات نظامی گنجوی*، تصحیح وحید دستگردی، تهران، انتشارات نگاه.
- ۱۶- نوروزی، زینب، (۱۳۸۸)، *نقد ساختاری مناظره خسرو و فرهاد در منظومه خسرو و شیرین نظامی*، پژوهشنامه ادب غنایی، سیستان و بلوچستان، صص ۱۷۹-۱۵۹.